

این عدم خود چه مبارک جایی ست

تحقیق در تأثیرپذیری عرفان و تصوّف اسلامی از
مکتب فافى و مشرب‌های اشراقى هندوها

نگارش
سیمین یاری



انتشارات طهورى

۱۴۰۳

- سرشناسه : یاری، سیمین، - .
عنوان و نام پدیدآور : این عدم خود چه مبارک جایی ست: تحقیقی در تأثیرپذیری عرفان تصوف اسلامی از مکاتیب فلسفی و مشرب‌های اشراقی هنایا/ نشر سیمین یاری.
- مشخصات نشر : تهران: شهر ص، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.
شابک : 9۷8-60۰-۹11-71-8-8
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص. [۲۳۷] - ۲۴۰
یادداشت : نمایه.
عنوان دیگر : تحقیقی در تأثیرپذیری عرفان تصوف اسلامی از مکاتیب فلسفی و مشرب‌های اشراقی هندوها
- موضوع : عرفان - تأثیر هند
Mysticism -- Indian
موضوع : داراشکوه بابری، شاهزاده هند، ۱۰۲۴-۱۰۶۹ق.
موضوع : نیستی
- (Nothing Philosophy)
فلسفه هندی
Philosophy, Indic
عارفان - سرگذشتنامه
Mystics -- Biography
- رده‌بندی کنگره : BL۶۲۵ :
رده‌بندی دیویی : ۲۹۱/۴۲۲ :
شماره کتابشناسی ملی : ۹۹۴۲۳۹۸ :
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



انتشارات طهوری

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، شماره ۲۴، صندوق پستی ۱۶۰۶۸-۱۳۱۴۵

تلفن ۰۹۱۲۲۲۵۱۲۰۶ - ۶۶۴۶۴۸۲۶

این عدم خود چه مبارک جایی ست

نوشته: سیمین یاری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۱۱-۷۱-۸

چاپ اول: ۱۴۰۳

صفحه‌آرایی: علم روز

تیراژ: ۱۱۰ نسخه

قیمت ۲۵۰۰۰۰ ریال

حق هرگونه چاپ و تکثیر برای انتشارات طهوری محفوظ است

فهرست مطالب

۹.....	دیباچه.....
۱۵.....	۱. تأثیرپذیری عرفان و تصوف اسلامی از مکاتیب هندی.....
۱۵.....	۱-۱. دکتر تاراچند و تشابه‌ها با نگاه دینی - عرفانی مسلمانان.....
۱۵.....	۲-۱. عزیزالدین نسفی و تشابه اصول آیین زرتشت با خطوط اصلی عرفان و تصوف اسلامی.....
۲۴.....	۳-۱. دکتر قاسم غنی و تأثیرپذیری عرفان و تصوف اسلامی از آیین بودا و مکتب فلوطین.....
۳۷.....	۴-۱. دکتر سعید نفیسی و سرچشمه تصوف در ایران.....
۴۹.....	۵-۱. دکتر حسن امین و بازتاب بودا در ایران و اسلام.....
۵۳.....	۶-۱. دکتر عبدالحمید ضیایی و تأثیر بودیسم بر صوفیسم.....
۸۶.....	۷-۱. دکتر عبدالحسین زرین‌کوب و اساس تصوف و عرفان اسلامی.....
۸۹.....	۸-۱. دکتر محمد معین و تأثیر مزدیسنا در تصوف و عرفان اسلامی.....
۹۸.....	۹-۱. استاد مطهری و سرمایه اصلی عرفان.....
۹۹.....	۱۰-۱. دکتر یحیی یثربی و پیدایش و سیر تکاملی تصوف اسلامی.....
۱۰۳.....	۱۱-۱. رینولد نیکلسون و پیدایش و سرچشمه تصوف.....
۱۰۹.....	۱۲-۱. کریم زمانی و هاضمه توانمند مولانا در تخمیر اندیشه‌های پیشینیان.....
۱۲۳.....	۲. عدم، منشأ هستی.....
۱۲۳.....	کلیات.....

- ۱-۲. دکتر محمد مجتهد شبستری و رابطهٔ ارگانیک: «جان»، «خبر» و «عدم» در نگاه مولانا ۱۲۸
- ۱-۲-۱. جان و بعضی از ابیات مربوط به آن ۱۲۸
- ۱-۲-۲. خبر و بعضی از ابیات مربوط به آن ۱۲۹
- ۱-۲-۳. عدم و بعضی از ابیات مربوط به آن ۱۳۰
- ۱-۲-۴. احتمال تأثیرپذیری مولانا از مکتب بودا ۱۳۱
- ۲-۲. دکتر قاسم کاکایی و معانی عرفانی عدم ۱۳۳
- ۲-۳. استاد جلال‌الدین همایی و معانی عدم در مثنوی معنوی مولانا ۱۳۸
- ۲-۴. دکتر آرش نراقی و هستی و عدم از نگاه خیام و مولانا ۱۳۹
- ۲-۵. دکتر مهدی تذین و عدم اصالت عدم در مکتب مولانا ۱۶۶
- ۲-۵-۱. معانی و کاربردهای عدم در اشعار مولانا ۱۶۹
- ۲-۵-۱-۱. عدم در معنی حقیقی بطلان و نیستی محض ۱۶۹
- ۲-۵-۱-۲. عدم در معنی گ و تباهی جسم ظاهر ۱۷۳
- ۲-۵-۱-۳. عدم در معنی هم نایب و ناپیدا ۱۷۶
- ۲-۵-۱-۴. عدم و نیستی و مرگ در معنی فناء فی‌الله در اصطلاح عرفا و صوفیه ۱۷۸
۳. محمد داراشکوه، شهید راه اندیشه ۱۸۳
- ۳-۱. گذری بر حیات علمی و شهادت محمد داراشکوه، فرزند شاهجهان ۱۸۳
- ۳-۱-۱. تولد و تعلقات داراشکوه ۱۸۳
- ۳-۱-۲. عقاید و تألیفات داراشکوه ۱۸۷
- ۳-۱-۲-۱. سفینه‌الاولیاء ۱۸۷
- ۳-۱-۲-۲. سکینه‌الاولیاء ۱۸۸
- ۳-۱-۲-۳. رساله حق‌نما ۱۸۸
- ۳-۱-۲-۴. حسنات‌العارفین (شطحیات) ۱۸۹
- ۳-۱-۲-۵. مجمع‌البحرین ۱۹۱
- ۳-۱-۲-۶. سر اکبر = (سرالأسرار، اوپانیشاد) ۱۹۴

۲۰۴.....	۷-۲-۱-۳. دیوان داراشکوه.....
۲۰۶.....	۸-۲-۱-۳. نامه‌های عرفانی.....
۲۰۶.....	۹-۲-۱-۳. طريقة الحقیقه (رساله معارف).....
۲۰۶.....	۱۰-۲-۱-۳. مکالمه داراشکوه و بابا لعل.....
۲۰۶.....	۲-۳. منازعات نظامی و شهادت داراشکوه.....
۴. تشابهات و همانندی‌های اوپه‌نیشدها و قرآن در باب: «الله»، «آتمن» و	
۲۱۱.....	«برهمن».....
۲۱۱.....	۱-۴. در بیان آتمن.....
۲۱۲.....	۲-۴. در بیان برهمن.....
۲۱۳.....	۳-۴. در بیان مشابهت یا همانندی «آتمن» و «برهمن».....
۲۱۹.....	۴-۴. در بیان «الله».....
۲۱۹.....	۵-۴. در بیان مشترکات و همانندی‌های «برهمن» و «الله».....
۲۲۹.....	نمایه اشخاص.....
۲۳۷.....	کتابنامه.....

دیباچه

حق، شبِ قدرست در شب‌ها نهران
اکند جان، هر شبی را امتحان
نه همه شب‌ها بود قدر، ای جوان
نه همه شب‌ها بود خالی از آن^۱

با مطالعه کتب دینی و متون عرفانی هند، خصوصاً اوپه‌نیشدها، تشابهات و مشترکاتی بین مکاتیب هندی و تصوّف و عرفان اسلامی، ذهن مرا به خود معطوف می‌ساخت. با سیر در آثار متصوّفین اسلامی، می‌توان به این نتیجه رسید که در تأثیرپذیری آنها از باورهای عرفانی و مشرب‌های اشراقی هندو، هیچ تردیدی نیست. به نظر می‌رسد این تأثیرپذیری با بسبب اتفاق و توارد، بلکه عمدی و آگاهانه است و آراء کثیری از پژوهشگران و محققان برجسته، مؤید این مدعاست.

با حضور در متن اوپه‌نیشدها، انسان دچار حیرت می‌شود که در آن ظرف زمانی چه نکات باریک و عمیقی در راستای توجه به خالق هستی و حقیقت مطلق بیان شده است. اینکه انسان چگونه باید بر طریق حقیقت گام نهد و با سلوک معنوی و تعالی روحی، خود و خدایش را بیابد و به قلمرو مشترکی با حقیقت مطلق نائل آید، در دل اوپه‌نیشدها موج می‌زند. نیل به

۱. مثنوی معنوی، دفتر ۲، ابیات ۲۵۳۵-۲۵۳۶.

«آتمن» و «برهمن»، همان است که صوفیان و عرفای ما با عبارات و ادبیات خاص خودشان، طالبانِ حقیقت را به آن فرامی خوانند. از یک منظر، همین آتمن و برهمن در ذهن و زبانِ فقراء هندو، و «فناء فی اللّٰه» در نگاهِ صوفیان و عارفانِ مسلمان، در کیش بودایی «نیروانه» نامیده می شود؛ کیشی که بعضی اندیشمندانِ اسلامی به تأثیر آن در تصوّف و عرفانِ اسلامی تصریح می کنند. آنچه در اوپه‌نیشدها و آیین بودایی، یک نکته کلیدی به شمار می رود، «عدم» است که به عرفانِ اسلامی عموماً و آثار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، خصوصاً، راه یافته است. عدم به این معنا، منشأ هستی محسوب می شود و حتی به نظر بعضی از پژوهشگران، با خدا برابری می کند!

اوپه‌نیشاها که اثر بس بزرگی در حوزه معرفت و الهیات در میان پیروان آیین هندو شمرده می شود، توسط شاهزاده دانشمند و عارفِ مسلمان هندی-محمد داراشکوه، در زبان سنسکریت، مو به مو و با دقت تمام به فارسی ترجمه شده است. این ترجمه، که آن را یک هنر و شاهکار بسیار بزرگ یاد می کنند، از منظر بعضی از ارباب نظر، بی نظیر است. داراشکوه با آن عظمت علمی و نگاهِ والای عرفانی، با ساداتِ فقه‌های خشک‌اندیش و سیاست‌زده‌گان وابسته به قدرت، مواجه گردید و در دام آنان گرفتار آمد. وی که در گستره عرفان و تصوّف، سر بر آسمان می سایید، به شکل فجیعی به قتل رسید. در حقیقت او با شهادت خویش، به ابدیت پیوست و حادانه شد.

فون کرم (شرق‌شناس اتریشی و نویسنده مشهور مطالعات اسلامی در غرب)، راینهارت پیتر آنه دوزی (خاورشناس نامی هلندی که به زبان‌های آلمانی، فرانسوی، انگلیسی و عربی تسلط داشت)، ماکس هورتن، ویلیام جونز (مستشرق مشهور که غزلیاتی از حافظ، ابیاتی از مثنوی معنوی و خمسة نظامی و اشعاری از فردوسی را به انگلیسی و فرانسوی ترجمه کرد و موردستایش بسیاری از فرهنگ‌دوستان قرار گرفت) و گلدزیهر، عقاید و

افکار برهمایی و بودایی هندوستان را در پیدایش تصوّف مؤثر می‌دانند. استدلال اساسی مستشرقان مذکور، این است که از شباهت‌های ظاهری موجود میان تصوّف و بعضی از طریقه‌های هندی مخصوصاً بودایی و ودایی، می‌توان دریافت که هر دو از یک منشأ هندی برخاسته‌اند. ریچارد هارتمان و ماکس هورتن، متفق القول‌اند که تصوّف اسلامی اصول خود را از فکر هندی گرفته و مرهون فلسفه آن دیار است.

تصوّف و عرفان اسلامی، از مشرب‌های عرفانی و اشراقی یونانیان نیز، متأثر شده است. جمعی از محققان به سبب شباهت بسیار بین فلسفه یونان و تصوّف، معتقدند که تصوّف از فلسفه نوافلاطونی اسکندریه سرچشمه گرفته است، سپس در طی قرن و به تدریج رنگ دیانت اسلامی به آن زده‌اند که آسین پالاسیو، ویفلد و ماکس براون باورند. عده‌ای نیز سرچشمه تصوّف اسلامی را مسیحیت و عقاید رهبانی مسیحیت می‌دانند.

بدون آشنایی با آثار و سنت‌های هند، راندش و بینش نوافلاطونیان، ورود به قلمرو عرفان و تصوّف اسلامی، بسیار سخت و دشوار می‌نماید. مطالعه تحقیقات نویسندگان ایرانی همچون: دکتر شکّاموژگار، پروفیسور حسن امین، دکتر قاسم غنی، دکتر سعید نفیسی و دکتر عبدالحمید ضیایی، ما را بیش از پیش به این نتیجه می‌رساند که تأثیر اندیشه تصوّف ایرانی-اسلامی از شرق و غرب، یک امر بدیهی است.

از پژوهشگران و محققان خارجی ادوارد براون تصوّف را واکنشی آریایی در برابر دین سامی و تشکیلات ضد اسلامی و یکی از احزاب مختلف آریایی نژاد و ایرانی می‌داند. دوزی عقیده نخستین ثولاک مبنی بر اثرگذاری سنت ایرانی پیش از اسلام بر آیین تصوّف را تأیید می‌نماید. البته ثولاک، بعدها در آراء خود تجدیدنظر کرد و اصل تصوّف را در تعالیم اسلام و سیره پیامبر (ص) جستجو نمود.

چنانکه اشاره شد برخی نیز عقیده دارند که تصوّف و عرفان اسلامی، به طور مستقل و تحت تأثیر اسلام در ممالک اسلامی به وجود آمده و ارتباط به جایی ندارد. لونی ماسینیون، رینولد نیکلسون و ایلپا پاولوویچ پتروشفسکی عقیده دارند تصوّف ریشه قرآنی و اسلامی دارد. در این دفتر، در حدّ وسیع و توان به بیان و بسط این آراء پرداخته شده است.

مطالعات تطبیقی عرفان و مکاتیب فلسفی، فواید فراوانی دارد که ایجاد تمهیدات لازم برای ایجاد تعامل ادیان و فرهنگ‌ها و پایین آوردن تنش‌های دینی و منازعات مذهبی، یکی از آنهاست. با عبور از مرزهای زبانی، سیاسی و جغرافیایی، می‌توان به کشف نکات مشترک انسان‌ها و باورها و آیین‌ها نائل گشت و به وحدت عالمی دست یافت. با اتخاذ چنین شیوه‌ای است که وجوه افتراق مناسک و معارف، در ذیل مشترکات انسانی جای می‌گیرد. به تعبیر بهتر دکتر ضیایی: «شناخت خود در آینه دیگری، زمینه‌ساز وسعت دید و سعه صدر گردیده و باعث کاهش تعصبات قومی-نژادی و مجادله بین ملت‌ها می‌شود».^۱

اثر حاضر در حد توان و امکان با ارجاع به منابع معتبر و مآخذ موثق، تأثیرپذیری عرفان و تصوّف اسلامی از مکاتیب و مشرب‌های هندوها را تحقیق و بررسی کرده و تشابهات و همانندی‌های آنها را بیان نموده است. فصلی از این کتاب، به حیات علمی و سرنوشت محققان داراشکوه اختصاص دارد که به جوهر مشترک متون دینی و عرفانی هندو و اسلام، باورمند بود. درواقع از منظر خود، به پلورالیسم دینی ایمان داشت که اکنون یکی از مباحث داغ محافل علمی به شمار می‌رود.

دستان پر مهر و گرم استادان برجسته و وارسته خویش را می‌بوسم و به وسعت هستی از ایشان سپاسگزارم که مرا می‌آموزند و در طی طریق تحقیق،

۱. بودیسم و صوفیسم، ص ۳۹۱.

یاری می‌رسانند. به‌ویژه مهر و رهنمودهای استاد فرزانه‌ام دکتر فیاض قرانی را می‌ستایم که بر سیل تشویق، بر چاپ و نشر این نوشته مهر تأیید نهادند. از پدرم، که همدل و هم‌نشینم بر سر سفره دانش است، ممنون و قدردانم که ویراستاری این اثر را پذیرفت. نقد و رهنمودهای اهالی قلم و اصحاب نظر را مغتنم می‌شمارم. اهتمام و عنایت مدیر محترم انتشارات طهوری جناب آقای سید احمد رضا طهوری و همکاران صادق و پرتلاشش را ارج می‌نهم که چاپ و نشر این نوشته را قبول کردند.

سیمین یاری. دانشجوی دکتری

ادیان و عرفان

دانشگاه فردوسی مشهد

www.ketab.ir